

سفرنامه‌ها  
میرزا صالح شیرازی

غلامحسین میرزا صالح

# سفرنامه‌ها

نشر نگاه معاصر

## فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۴۳	تندیسه‌ای از میرزا صالح شیرازی
۴۵	در بیان کیفیت مجملی از احوالات اصفهان صانها الله عن الحدثان
۴۸	در بیان مجملی از کیفیت آب زنده‌رود
۵۱	در بیان آثار و علامتی که خارج از شهر اصفهانست
۵۳	و اما شهر اصفهان صانها الله عن الحدثان
۶۰	دوشنبه بیست و پنجم رمضان
۶۱	دوشنبه سیم شوال
۶۳	سه‌شنبه چهارم شوال
۶۴	پنج‌شنبه ششم شوال
۶۵	جمعه هفتم شوال
۶۶	شنبه هشتم شوال
۶۷	یکشنبه نهم شوال
۶۹	دوم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم شوال
۷۰	چهاردهم شوال
۷۱	پنجاهم شوال
۷۱	شصتم شوال
۷۴	هفتادم شوال
۷۴	سیستم شوال
۷۵	سیستویکم شوال
۷۶	سیستودوم شوال
۷۶	سیستوسوم شوال
۷۶	انوار الحلاجه طهران

سفرنامه فرنگ ..... ۸۹

روز بیست و نهم [جمادی‌الاولی ۱۲۳۰] ..... ۹۱

روز سلخ شهر جمادی‌الاولی ..... ۹۲

امروز غره شهر جمادی‌الثانی ..... ۹۴

ذکر منازل از ایران تا سیروس و ذکر کلیسای ..... ۹۷

روز جمعه دهم جمادی‌الثانی سنه ۱۲۳۰ مطابق نوزدهم اپریل عیسوی سنه ۱۸۱۵ ... ۹۷

روز شنبه یازدهم جمادی‌الثانی مطابق بیستم اپریل عیسوی ..... ۹۸

روز یکشنبه ۱۲ شهر جمادی‌الثانی ..... ۹۹

روز دوشنبه سیزدهم جمادی‌الثانی، مطابق بیست و دویم اپریل عیسوی ..... ۱۰۰

روز چهارشنبه پانزدهم جمادی‌الثانی ..... ۱۰۲

روز پنجشنبه شانزدهم ..... ۱۰۲

روز جمعه ۱۷ شهر جمادی‌الثانی ..... ۱۰۵

امروز صبح ۱۸ شهر جمادی‌الثانی ..... ۱۰۷

روز دوشنبه بیستم جمادی‌الثانی ..... ۱۱۰

روز سه‌شنبه بیست و یکم جمادی‌الثانی ..... ۱۱۰

روز چهارشنبه بیست و دویم جمادی‌الثانی ..... ۱۱۱

روز پنجشنبه بیست و سیم جمادی‌الثانی ..... ۱۱۵

روز جمعه بیست و چهارم ..... ۱۱۵

روز شنبه بیست و پنجم ..... ۱۱۵

روز یکشنبه ۲۶ ..... ۱۱۶

روز دوشنبه ۲۷ ..... ۱۱۶

روز سه‌شنبه ۲۸ ..... ۱۱۶

روز چهارشنبه ۲۹ ..... ۱۱۷

روز پنجشنبه ۱۴ شهر رجب‌المرحب، مطابق دویم جون عیسوی ..... ۱۲۰

روز جمعه ۱۵ ..... ۱۲۰

روز شنبه ۱۶ ..... ۱۲۰

روز یکشنبه ۱۷ ..... ۱۲۱

روز دوشنبه ۱۸ رجب ..... ۱۲۱

روز سه‌شنبه ۱۹ ..... ۱۲۱

روز چهارشنبه ۲۰ ..... ۱۲۲

روز پنجشنبه ۲۱ ..... ۱۲۳

روز جمعه ۲۲ ..... ۱۲۳

روز شنبه ۲۳ ..... ۱۲۳

روز دوشنبه ۲۴ ..... ۱۲۳

روز سه‌شنبه ۲۵ ..... ۱۲۳

روز سه‌شنبه ۲۶ ..... ۱۲۴

روز چهارشنبه ۲۷ ..... ۱۲۴

روز پنجشنبه ۲۸ ..... ۱۲۴

روز شنبه غره شهر شعبان ..... ۱۲۴

سیم شهر شعبان ..... ۱۲۴

روز چهارشنبه ..... ۱۲۵

روز پنجشنبه پنجم شهر مزبور ..... ۱۲۵

روز شنبه ۱۳ شعبان ..... ۱۲۸

روز یکشنبه ۱۴ ..... ۱۲۸

روز دوشنبه ۱۵ ..... ۱۲۹

روز سه‌شنبه ۱۶ ..... ۱۲۹

روز چهارشنبه ۱۷ ..... ۱۲۹

روز پنجشنبه ۱۸ ..... ۱۲۹

روز جمعه ۱۹ ..... ۱۳۰

روز شنبه ۲۰ ..... ۱۳۰

روز دوشنبه ۲۲ ..... ۱۳۰

روز سه‌شنبه ۲۳ ..... ۱۳۱

روز چهارشنبه ۲۴ ..... ۱۳۲

روز پنجشنبه ۲۵ ..... ۱۳۲

روز پنجشنبه دویم شهر مزبور ..... ۵۱۸

روز جمعه سیم شهر مزبور ..... ۵۲۵

روز شنبه ۴ شهر مزبور ..... ۵۲۵

روز یکشنبه پنجم شهر سپتمبر، چهاردهم ذی‌قعدة الحرام ..... ۵۲۷

روز شنبه بیست و پنجم سپتمبر، پنجم ذیحجه ۱۲۳۴ ..... ۵۳۰

روز یکشنبه ۲۶ شهر مزبور ..... ۵۳۰

روز دوشنبه ۲۷ شهر مزبور ..... ۵۳۱

روز پنجشنبه سلخ سپتمبر، مطابق دهم ذیحجه الحرام ..... ۵۳۲

روز جمعه غره اکتوبر، یازدهم ذیحجه الحرام ..... ۵۳۴

روز یکشنبه سیم اکتوبر ..... ۵۳۵

در روز شنبه سیم شهر محرام الحرام ۱۲۳۵، مطابق ۲۳ اکتوبر عیسوی ۱۸۱۹ ..... ۵۷۷

روز یکشنبه چهارم محرم، مطابق ۲۴ اکتبر ..... ۵۷۹

روز دوشنبه پنجم محرم، ۲۵ اکتبر ..... ۵۷۹

روز سه‌شنبه ششم محرم ..... ۵۸۰

روز چهارشنبه هفتم محرم ..... ۵۸۰

روز پنجشنبه هشتم محرم ..... ۵۸۱

روز جمعه نهم محرم ..... ۵۸۱

روز شنبه دهم محرم ..... ۵۸۱

روز یکشنبه ۱۱ شهر مزبور ..... ۵۸۲

روز دوشنبه دوازدهم محرم، مطابق غره نوانبر عیسوی ..... ۵۸۳

روز سه‌شنبه ۱۳ محرم ..... ۵۸۳

روز چهارشنبه چهاردهم محرم الحرام ..... ۵۸۴

روز پنجشنبه ۱۵ محرم ..... ۵۸۴

روز جمعه شانزدهم محرم ..... ۵۸۴

روز شنبه هفدهم محرم ..... ۵۸۴

روز یکشنبه ۱۸ محرم ..... ۵۸۵

روز دوشنبه نوزدهم شهر محرم ..... ۵۸۵

روز سه‌شنبه ۲۰ محرم ..... ۵۸۶

روز چهارشنبه ۲۱ محرم ..... ۵۸۶

روز پنجشنبه ۲۲ محرم ..... ۵۸۷

روز شنبه بیست و چهارم محرم ..... ۵۸۸

روز یکشنبه بیست و پنجم محرم ..... ۵۸۸

روز دوشنبه بیست و ششم محرم ..... ۵۸۹

روز سه‌شنبه ۲۷ محرم ..... ۵۸۹

به تاریخ روز چهارشنبه پنجم شهر صفر ..... ۵۹۰

وقایع رفتن و مراجعت به اردوی روسیه ..... ۵۹۵

روز غره محرم الحرام ۱۲۴۳ ..... ۵۹۶

## پیشگفتار

زمانی که در ۲۹ ماه مه ۱۴۵۳ دو سال بعد از پرتخت نشستن محمد دوم و هفت هفته پس از شروع محاصره قسطنطنیه برج و باروی آن شهر به نیروی برگرفته از باروت سیاه فرو ریخت و حکومتی مقدس جانشین حکومت مقدس دیگری شد، میان سرزمین ایران و نیمه غربی جهان حایلی سر برآورد که تا قرویاتی و تجزیه آن امپراتوری فرازان بود.

همجواری قلمرو ترکان عثمانی با اروپا باعث شد که آنان حق نظارت بر آمد و شد اروپاییان به ایران و سایر نواحی شرقی را از آن و انحصار خود بمانند. حقی نامشروع که با به اسیری گرفتن و عذاب دادن و گهگاه کشتن فرستادگان و اهل سیر و سفر اروپایی به ایران تداوم می یافت. کسانی که سودای سیاحت و تجارت در سر داشتند می توانستند با عبور از دوک نشین مسکو، اسکتریه، قسطنطنیه، دریای سرخ و دماغه "توفانها" وارد قلمرو ایران شوند و یا آن را ترک گویند. انتخاب هر یک از راههای یاد شده بستگی به توان مالی و جسمی افراد و نوع کالایی داشت که به قصد خرید یا فروش آن جور سفر به جان خریده بودند. مسافرانی که از دریازنان منطقه مدیترانه خوف داشتند معمولاً راه روسیه را در پیش می گرفتند که حاکمیت آن در حکومت کوچک دوک نشین مسکو تمرکز می یافت. امنیت نسبی این مسیر سبب می شد که بیشتر سیاحان اروپایی زحمات ناشی از طی کردن شش هزار کیلومتر فاصله پاریس تا صفهان را نادیده انگارند و یا حتی راهی طولانی تر از آن را برگزینند و از طریق دماغه "توفانها" خود را به سواحل خلیج فارس برسانند و از راه شیراز وارد صفهان شوند.

هیچ یک از مسیرهایی که برشمرديم خالی از خطر نبود. ژان استرویس هلندی مؤلف سفرنامه‌ای به نام خود که راه روسیه را برگزید، پس از عبور از دریای مازندران به بردگی فروخته شد. ژان دو تونو گرفتار راهزنان عرب گردید و سرانجام در میانه درگذشت. شاردن و دلاکروا نیز از رنج سفر به بستر بیماری افتادند.

در پاسخ به این که چه چیزی آنان را وادار به تحمل چنین مشقاتی می‌کرد ژان دو تونو می‌گوید: "کنجکاوی و اشتیاق به آموختن". دو احساسی که اساساً برانگیخته عصر رنسانس بود و به کوشش کسانی چون کاردینال ریشلیو و کُبر رنگ و لعاب مذهبی و مادی به خود گرفت و پاداشی اخروی برای جانباختگان. از آن پس بود که کتاب‌خانه‌های سلطنتی و دیگر اشراف اروپایی مزین به گنجینه‌ها و نسخ خطی مشرقیان گردید و قصه‌های ایرانی بُن‌مایهٔ رمان‌های پُرخواننده مانند خشایار شاه و ازدواج کمبوجیه. به اعتقاد پیر مارتینو بیشتر کمدی‌های آن زمان که موضوع شرقی داشت از قصه‌ها و روایات ایرانی نشأت می‌گرفت. به گونه‌ای می‌توان گفت که راه کمدی به غرب از مسیر ایران پیموده شد. این نمایشنامه‌ها، به گفتهٔ آنتونی کالان، مردمان مشرق زمین را، از شاه گرفته تا گدا، به اروپاییان شناساند و خوانندگان این آثار بدون تحمل رنج سفر، با رفتار و کردار آنان آشنا می‌شدند. نشر و چاپ سفرنامه‌های اولیه و شرح ماجراهای پُر لاف و گزاف، اما هیجان‌انگیز و تحریک خصلت زراندوز غربیان با بیان تصاحب و دست یافتن به گنج‌های خیالی به تردید کسانی که بیم جان داشتند پایان بخشید و بزودی در هر گوشه‌ای از ایران پهناور اهل سفر و ماجراجویان اروپایی از میهمان‌نوازی و سفرهٔ آراستهٔ ایرانیان بهره‌مند می‌شدند، تا جایی که در ماه فوریهٔ ۱۶۶۸ دولیه و تاورنیه که از پاریس رحل سفر بسته بودند با دو تونو که از جنوب باز می‌گشت و شاردن که از اصفهان آمده بود در تخت جمشید گرد هم آمدند.

مشرق زمین در گذار از سده‌های ۱۷ و ۱۸ همچنان باعث تحریک حس

کنجکاوی اروپاییان می‌شد. سزار ریشله به ما می‌گوید که در این مدت بیش از یک هزار سفرنامه نوشته شده است که از آن میان موضوع حدود یکصد و هشتاد سفرنامه، ایران و موضوعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن بوده است.

اهل اندیشه و فلسفه نیز از سفرنامه‌های مربوط به ایران بهره‌ها جستند. مونتسکیو از بنیان سیاست مدرن با خواندن کتاب شاردن و سفرهای تاورنیه و شنیدن شایعات مربوط به محمدرضاییگ، سفیر شاه سلطان حسین کار بررسی و نقد نظام‌های سیاسی را از زبان شرقیان به نگارش درآورد. "رضا" و "ازبک" در واقع سمبل دوگانهٔ روحیات ایرانیان هستند. مونتسکیو به هنگام کالبد شکافی حکومت مطلقهٔ لویی چهاردهم به سفرنامهٔ شاردن توسل می‌جوید و با خواندن این ادعای او که "به طور مسلم کم‌تر پادشاهی مقتدرتر و مطلق‌العنان‌تر از پادشاه ایران وجود دارد" سلطان و سلطنت خودکامهٔ کشورش را مورد انتقاد قرار می‌دهد. روح ایرانی در سراسر کتاب روح‌القوانین و نامه‌های ایرانی و سایر آثار مونتسکیو جلوه گر است. او حتی برای بیان خصوصیات توازن قوای سه‌گانهٔ هر مدینهٔ فاضلهٔ خود قصهٔ شرقی اشک و ایسمنی<sup>۱</sup> را نگاشت، شاه و ملکهٔ عالت‌جویی که در پی درمان آلام درمندان بودند و سخنانشان آمیخته به عبارات روح‌القوانین. ولتر هم با ایران از راه مطالعهٔ سفرنامه‌های تاورنیه، برتیه و شاردن آشنا شد و در پاره‌ای از آثارش به تقلید از سعدی و ستایش زورقت پرداخت.

پس از انعقاد معاهدهٔ پاریس در دهم فوریهٔ ۱۷۶۳ و برچیده شدن استبداد نظامی فرانسه در هند و رقابت دو امپراتوری ایران و عثمانی راه رفت و آمد میان ایران و اروپا بیش از پیش پُر مخاطره گردید و کسانی که قصد سفر می‌کردند به ناگزیر از طریق روسیه یا بصره و بمبئی روانهٔ مقصد می‌شدند. این کار سفرنامه‌نویسی را انگلیسیان به عهده داشتند و دیگر در هنر و ادبیات اروپا نشانی از خلق و خوی ایرانیان سدهٔ هجدهم به چشم نمی‌خورد.

1. Arsace Ismenie!